

رویکرد انتقادی روزنامه های فارسی زبان مصر به وضعیت اقتصادی ایران در عصر ناصری و مظفیری

دکتر غلامحسین زرگری نژاد

استاد تمام گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران

ستار زارعی

دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

satarzare@gmail.com

چکیده

مطبوعات به عنوان یکی از ارکان اطلاع رسانی و یکی از موثرترین رسانه های گروهی نقش تعیین کننده ای در تحولات سیاسی، اجتماعی کشورها دارا می باشند. در تاریخ معاصر کشور ما نیز مطبوعات از جایگاه برجسته ای برخوردارند و مطالعه تحولات مربوط به تاریخ معاصر کشور بدون در نظر گرفتن نقش مطبوعات ناقص خواهد بود. از جمله وقایعی که مطبوعات در ترویج مبانی و ویژگی های آن نقش فعالی داشتند اصلاحات اقتصادی دوره ناصرالدین شاه و مظفردالدین شاه و تأثیر آن در انقلاب مشروطیت است. برخی روزنامه ها به دلیل اختناق در خارج از ایران منتشر می گردیدند و به صورت مخفی وارد ایران می شدند. این نشریات همانند «حکمت» «ثریا» «پرورش» «چهره نما» «کمال» قانون، اختر..... نقش مهمی در بیداری ایرانیان داخل و خارج کشور داشتند. در این نشریات اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی ایران مورد بحث و بررسی قرار می گرفت و نویسندگان آنها به ریشه یابی دردها و ضعف های جامعه همت می گماشتند. این پژوهش در نظر دارد روزنامه های فارسی زبان چاپ مصر و تأثیر آن ها در تحولات ایران را از نگاه اقتصادی بررسی نماید.

واژگان کلیدی: روزنامه های فارسی زبان، اقتصادی، اجتماعی، مصر، تحولات

مقدمه

ایرانیان در دوره ناصرالدین شاه برای نخستین بار با وجوه فکری تمدن غرب آشنا شدند و دریافتند که ایران کشوری عقب مانده است. افزایش تدریجی آگاهی های نسبی به وجود آمده در باره پیشرفت های جوامع غربی و مقایسه آن با عقب ماندگی کشور، گفتمان نوگرایی را وارد مرحله جدیدی کرد. در این مرحله طرح پرسش در مورد عقب ماندگی ایران و تلاش جهت خروج از این بحران گفتمان قانون گرایی و اصلاحات را در میان روشنفکران شکل داد. از آن پس بود که اندیشمندان مختلف به دنبال چرایی و ارائه راه حل برای بیماری عقب ماندگی ایران بودند. اوج این مباحث در دوره قبل از مشروطه توسط افرادی مانند میرزا ملکم خان، میرزا آقا خان کرمانی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا فتحعلی خان آخوندزاده و طالبوف مطرح شد. اما جدا از رساله هایی که در این باره منتشر شد، روزنامه های زیادی وضعیت آن دوره را به چالش طلبیدند. ثریا، حکمت، پرورش، چهره نما، کمال و اختر از جمله این روزنامه ها بودند. در نشریات تحول خواهان بی کفایتی رجال حکومت، فقدان قانون، اوضاع اقتصادی و اجتماعی، شیوه های نادرست اداری، علل عقب ماندگی، استبداد مطلقه قاجارها، تعلیم و تربیت، راهکارهای توسعه و پیشرفت جامعه ایران بیش از همه مورد توجه و انتقاد قرار می گرفت. این جریان تحول خواه که در کشور مصر فعال بودند، نقش مؤثری در تحولات داخلی ایران داشتند، که این تلاش ها سرانجام در قالب مشروطه خود را نشان داد.

روزنامه های «حکمت» و «ثریا» و «پرورش» هر سه در قاهره، پایتخت مصر، منتشر می شدند. آغاز انتشار روزنامه «حکمت» سال ۱۳۱۰ق، یعنی سه سال قبل از کشته شدن ناصرالدین شاه بود. شماره اول «ثریا» روز شنبه، ۱۴ جمادی الاخر سال ۱۳۱۶ق و شماره اول «پرورش» روز جمعه ۱۰ صفر سال ۱۳۱۸ق انتشار یافت. مدیران هر سه روزنامه درد وطن داشتند و روزنامه های خود را به قصد تکان دادن ایرانیان انتشار می دادند. روزنامه «کمال» نیز پس از این سه روزنامه منتشر شد. (رضوانی، ۱۳۵۲، ۲۴)

نزدیک ترین روزنامه به عهد انقلاب روزنامه «چهره نما» است که آن هم در اسکندریه و سپس در قاهره منتشر شد. شماره اول این روزنامه آخر محرم سال ۱۳۲۲ق انتشار یافت. مندرجات آن از نظر ارزش، از روزنامه های «اختر»، «ثریا»، «حکمت»، «پرورش»، کمتر نیست، اما تقدیمی که آن ها دارند ندارد.

عوامل زیادی در بیداری ایرانیان مؤثر بود، اما به شهادت تمام آن‌هایی که در نهضت مشروطیت ایران صاحب نظر بوده و هستند مهم‌ترین عامل بیداری افکار همین روزنامه‌ها بوده‌اند. به عنوان نمونه، نظر ادوارد براون را که حاوی عقیده او در مورد روزنامه‌های ذکر شده در بالاست نقل می‌کنیم: «عمده نهضت انقلابی بدون هیچ گمان روزنامه‌ها بودند که منادی شکایات و مظهر عدم رضایت و نفرت عامه از اصول اداره موجوده شمرده می‌شدند و در میان آن‌ها صرف‌نظر از "اختر" که بالنسبه اعتدالی بود، روزنامه "قانون" مقام اول را حائز است. بعد از آن روزنامه‌های "تریا" و "پرورش" است که نفوذ عظیمی در افکار داشتند، حتی نتایج حاصله از تأثیر آن‌ها خیلی عمیق‌تر و وسیع‌تر از "قانون" بود و طی سال‌های ۱۳۱۶ تا هجده (۱۳۱۸) قمری (۱۸۹۸-۱۹۰۱م) انقلاب فکری عظیمی در میان جوانان پدید آورد. (رضوانی، ۱۳۵۲، ۳۴)

مهم‌ترین پرسش در این تحقیق، نقش روزنامه‌های فارسی زبان مصر در تحولات کشور ایران از نگاه اقتصادی در این دوره می‌باشد.

معرفی اجمالی روزنامه‌های فارسی زبان

حکمت

یکی از روزنامه‌هایی که در تاریخ مطبوعات ایران نامی نیک از خود به جای گذاشت و می‌توان از آن به عنوان یک نشریه تاریخ ساز یاد نمود، روزنامه حکمت است. این نشریه پیش از انقلاب مشروطه شروع به کار نمود و تا پس از آن منتشر می‌شد. حکمت، نخستین نشریه فارسی کشور های عرب زبان در مصر بود. حکمت روزنامه (نشریه) هفتگی در قاهره سال ۱۳۱۰ ه. ق به مدیریت میرزا مهدی خان تبریزی ملقب به زعیم الدوله و رئیس الحکومه با چاپ سربی انتشار یافت. این نشریه اندکی نامرتب، ولی به طور کلی تقریباً ماهی سه شماره منتشر شده است. (براون، ۱۳۸۶، ۵۵۱- پروین، ۱۳۷۹، ۳۲۲) نخستین سرمقاله حکمت، درباره اهمیت روزنامه‌نگاری است و نویسنده مقاله، مطبوعات را «سبب آبادی جهان و باعث مادی ترقی جهانیان» و «رابطه اتحاد اهل مشرق به مغرب» دانسته است (حکمت، سال ۱، ش ۱، ص ۱).

روزنامه ثریا؛ نشریه ای از قاهره مصر

روزنامه ثریا ابتدا در قاهره مصر و سپس در تهران و بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در کاشان منتشر می شده است. اولین شماره آن روز شنبه ۱۴ جمادی الاخر سال ۱۳۱۶ هجری قمری مطابق ۲۹ اکتبر ۱۸۹۸ م با مدیریت میرزا علی محمد خان کاشانی به زبان فارسی در مصر تأسیس و به صورت هفته ای یک بار روزهای شنبه طبع و روزهای یکشنبه توزیع می شده است. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ۱۵۳-۱۵۱)

روزنامه ثریا با همکاری مشترک میان فرج الله حسینی و علی محمد کاشانی منتشر می شد ولی همه بار علمی روزنامه بر عهده فرد اخیر بود. تا شماره ۲۳ سال دوم «صاحب امتیاز و نگارنده ی» آن ها یعنی میرزآن یکی از آن ها یعنی میرزا علی محمد خان بود. از شماره ۲۴، فرج الله الحسینی شریک دیگر با این عنوان معرفی شد و در شماره ۲۷ همان سال (بیستم محرم ۱۳۱۸) نامه کناره گیری علی محمد خان و واگذاری روزنامه به سید فرج الله به چاپ رسید با جدا شدن کاشانی از ثریا، پس از مدتی این روزنامه به تهران (۱۳۲۱ هجری قمری برابر با ۱۹۰۳ میلادی) و پس از آن به کاشان (۱۳۲۸ هجری قمری برابر با ۱۹۱۰ میلادی) منتقل شد (براون، ۱۳۳۷، ۳۸-۳۹) ولی در کل از وزنه علمی آن تا حد زیادی کاسته شد.

پرورش؛ روزنامه ای از سرزمین مصر

روزنامه پرورش به مدیریت علی محمد خان کاشانی در سال ۱۹۰۰ میلادی (۱۳۱۸ قمری) در قاهره پایتخت مصر منتشر می شد. روی جلد اسم روزنامه (پرورش) و در زیر آن سال تأسیس به قمری و میلادی و در زیر سال تأسیس این عبارت «این روزنامه آزاد است و هفته یک روز جمعه طبع می شود» درج است (پرورش، س ۱، ش ۱۳۱۸، ۱)

این روزنامه مجموعاً یک سال و در سی و سه شماره به صورت هفتگی انتشار یافت. این روزنامه که در ۱۶ صفحه و به زبان فارسی منتشر می شد، از نشریه های تندرو زمان خود محسوب می شد. (برزین، ۱۳۷۱، ۱۰۷) صاحب امتیاز آن محمد علی خان کاشانی از نویسندگان توانا آن زمان بود. وی پیش از انتشار پرورش مدتی را با روزنامه اختر همکاری نمود. پس از آن به همراه یکی از دوستان هم نام خود سید فرج الله کاشانی - روزنامه ثریا را در مصر منتشر نمودند. لیکن وقوع پاره ای اختلافات میان این دو نفر، باعث شد تا علی محمد خان روزنامه ثریا را رها نموده و اقدام به انتشار روزنامه پرورش نماید. (رابینو، ۱۳۸۰، ۱۱۰) بازخوانی روزنامه ثریا نشان می دهد که

محتوای آن پس از خروج علی محمد خان از آن، نازل شد و این اهمیت و وزنه وی را در این روزنامه نشان می دهد. پس از آن بود که وی اقدام به انتشار روزنامه پرورش نمود.

روزنامه چهره نما

نشریه فارسی زبان سیاسی و اجتماعی و یکی از نشریات مؤثر در افکار و عقاید ایرانیان که ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره، از اواخر دوره قاجار تا اواسط حکومت پهلوی دوم، منتشر می شد. روزنامه چهره نما در سال ۱۳۲۲ ق ۱۲۸۳ ش، سه سال پس از تعطیلی پرورش و به عنوان چهارمین روزنامه فارسی زبان مصر آغاز به کار انتشار کرد. مؤسس و مدیر چهره نما، عبدالمحمد ایرانی ملقب به مؤدب السلطان، تاجر و نویسنده اصفهانی، بود که به نمایندگی از شرکت اسلامی، که به ابتکار و با حمایت علمای اصفهان برای مقابله بانفوذ اقتصادی انگلیس تأسیس شده بود، از اصفهان به باکو رفت و پس از چند سال توقف در باکو که در ضمن در این مدت پاره ای از شهرهای روسیه را نیز دیدن می نماید بالاخره در سال ۱۳۲۲ ق از آنجا به مصر مهاجرت کرد. وی در اسکندریه نخستین شماره چهره نما را در ۳۰ محرم ۱۳۲۲ / ۱۵ آوریل ۱۹۰۴ منتشر کرد. از وی کتابهای خط و خطاطان، زرتشت باستان و تاریخ مفصل افغان به چاپ رسیده است. (صدرهاشمی، ۱۳۶۲، ص ۱۹۷-۱۹۸)

کمال

روزنامه کمال درشهر تبریز به صاحب امتیازی میرزا حسین طیب زاده (مدیر مدرسه کمال) تأسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ چهارشنبه دهم رجب ۱۳۱۷ قمری منتشر شده است. در شورش مردم تبریز علیه کارگزاران بلژیکی گمرگ که در ربیع الثانی ۱۳۲۱ اتفاق افتاد، مدرسه کمال به غارت رفت و میرزا حسین خان کمال، مدیر آن راهی خارج شد. کسروی درباره خرابی و غارت مدرسه و مطبوعه کمال می نویسد: «در ربیع الثانی ۱۳۲۱ قمری که محمدعلی میرزا در تبریز بود، مردم برضد بلژیکی ها شورش نموده و در تبریز بازارها را بستند و بالاخره طلبه ها بیرون ریخته و میخانه ها و دبستانها را تاراج کردند و آشوب و غوغای بزرگی برپا گردید. یکی از دبستانهایی که در این پیشامد تاراج شد دبستان کمال بود که راهبرش میرزا حسینخان میبود و روزنامه ای نیز بهمان نام مینوشت و پس از این پیش آمد در تبریز نمانده و به قفقاز رفت.» (کسروی، ۱۳۶۹، ۳۱). مدیر روزنامه کمال در اوائل سال ۱۳۲۳ قمری با تفاق تقی زاده و میرزا

محمدعلیخان وارد مصر شدند. مدیر روزنامه کمال پس از چند ماه توقف در مصر روزنامه کمال را تأسیس و منتشر نمود. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ۱۴۳)

مصر و انتشار روزنامه های فارسی زبان

در زمان ناصرالدین شاه بی اعتنای این پادشاه به اصلاحات اساسی و وضع راکد کشور بود که روشنفکران و آزادی خواهان ایران را ناراحت کرده بود. بطوریکه در اواخر سلطنت این پادشاه عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادی خواهان ایران به کشورهای اروپایی، نیز به هندوستان و مصر و عثمانی مهاجرت کردند. زندگی داوطلبانه تبعیدی این عده در سال های بعد هسته اصلی روزنامه نگاری تبعیدی ایران را در اروپا و آسیا به وجود آورد. و فصل خاصی در تاریخ مطبوعات قبل از مشروطه ایران پدید آورد. (گوئل کهن، ۱۳۶۳، ۱۷-۱۱۰)

بسیاری از روشنفکران و اصلاح طلبان که عرصه را برای روزنامه نگاری در ایران تنگ می دیدند، برای اولین بار تحولات و موضوعات ایران را در خارج از مرزها به نقد و تحریر کشیدند. این گروه که خود آشنایی نسبتاً زیادی با غرب داشتند به مقایسه و نقد شرایطی که در ایران و جهان حاکم بود می پرداختند و از این راه خدمات ارزنده ای را به تاریخ معاصر کردند.

بدون تردید وجود سانسور، جو اختناق داخلی و سرکوب آزادی خواهان و قانون مند نبودن روابط خصوصاً میان دولت و ملت از عمده ترین دلایلی است که فعالیت های مطبوعاتی را به خارج از مرزها کشاند. (باقری ده آبادی، ۱۳۹۲، ۲۹) در کنار آن زمینه های مساعد در خارجه از کشور مثل آزادی و دموکراسی (خصوصاً در کشورهای اروپایی) استفاده از امکانات تبلیغی و رسانه های گروهی، انتشار روزنامه، تشکیل مجالس و.. از عوامل سهولت مقابله با حکومت قاجارها بود. به همین دلیل قبل از استقرار مشروطه در ایران متفکران و شخصیت های زیادی در خارج از کشور فعالیت می کردند. این افراد که ایران تحت حکومت قاجارها را فاقد آزادی بیان و قلم، و ... در یافته بودند غالب فعالیت های سیاسی و فرهنگی خود را خارج انجام داده که یکی از اقدامات آن ها انتشار روزنامه بود. (علم، ۱۳۸۵، ۱۰۹)

میرزا ملکم خان در این مورد می نویسد. «جمع کثیری از خلق ایران به چندین سبب خود را از وطن مألوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده اند. آن اشخاص با شعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق می کنند، سال ها در این فکر بودند که آیا به چه تدبیری می توان به آن بیچاره گان که در ایران گرفتار مانده اند، جزیی امداد برسانند. پس از تفحص و تفکر زیاد

بر این عقیده متفق شدند که به جهات و ترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامه آزاد هیچ اسباب نمی توان تصور کرد. (روزنامه قانون، نمره اول، ۱۳۰۷، ص ۱)

نسل جدید روشنفکران ایرانی که در قرن نوزدهم پدید آمد حداقل دو دلیل برای اقامت در تبعید داشت. نخست وجود نظام استبداد سلطنتی در ایران و دیگری علاقمندی به زندگی در یک نظام آزاد و مردم سالار بود که در کشورهای غربی و جاهای دیگر مثل هند و مصر وجود داشت. (حسن بشیر، ۱۳۸۸، ۱۷۸) از سوی دیگر بی اعتنائی ناصرالدین شاه به اصلاحات اساسی باعث زندگی تبعیدی عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادی خواهان ایران در برخی کشورهای اروپایی، هندوستان، مصر و عثمانی شد که زمینه شکل گیری هسته اصلی روزنامه نگاری تبعیدی ایرانی در خارج از کشور ایجاد نمود و فصل جدیدی در مطبوعات قبل از مشروطه را پایه گذاری کرد. (مولانا، ۱۳۹۲، ۸۱-۸۰)

با شکل گیری قشر جدید روشنفکر ضرورت فراهم آوردن شرایط مناسب برای فعالیت نیز محسوس بود. چیزی که از نظر سیاسی و اجتماعی در آن دوره مشاهده نمی شد. بالعکس فشارهای فزاینده بر روشنفکران بسیاری از آن ها را وادار به ترک کشور کرد. افرادی که مجذوب جنبش استقلال طلبانه و ضد استعماری شده بودند و یا تحت تأثیر حرکات نوگرایانه قرار داشتند به ترتیب مصر و ترکیه را انتخاب کردند. تلاش آن ها معطوف پیدا کردن راهی بود تا صدایشان به گوش ایرانیان داخل کشور برسد هدف آن ها صرفاً در اعتراض به سلطه جویی قاجار خلاصه نمی شد. بلکه در ضمن می خواستند تحولی ریشه ای در زندگی سنتی تحت لوای نوسازی غربی ایجاد کنند. (ذاکر حسین، ۱۳۷۰، ۴۱)

این گروه در ابتدا به دور از دخالت های نابجای دستگاه استبداد و خارج از دسترس سانسور چیان «اداره کل مطبوعات ممالک محروسه» روزنامه اختر در استانبول به زیر چاپ می رود و پس از آن روزنامه قانون از لندن به دست مشتاقان حکومت قانون و حاکمیت دموکراسی می رسد و همراه با تکامل روند بیداری جامعه. «حکمت» در قاهره «حبل المتین» در کلکته «ثریا و پرورش، کمال و چهره نما» در قاهره به زبان فارسی و ارشاد به زبان ترکی در باکو «عروء الوتقی» به زبان عربی در پاریس و ... به زیر چاپ می رود و در دسترس دوستداران آزادی و حکومت مردمی قرار می گیرد. (گوئل کهن، ۱۳۶۳، ۱۱۱)

اینکه چرا ایرانیان تحول خواه در کنار ترکیه و هند کشور مصر را سرزمین مناسب و کعبه آمال و آرزوهای خود انتخاب نمودند. همانطور که ذکر شد علاوه بر اوضاع داخلی ایران و وجود

اختناق باید به شرایط کشور مصر، پیشینه روابط دوستانه بین دو کشور، حضور تجار ایرانی، فراهم کردن شرایط توسط سید جمال الدین اسد آبادی و فضای مناسبی که برای تحول خواهان ایرانی فراهم شده بود ذکر کرد.

مصر از نگاه احترام به آزادی گفتار و نوشتار در آن هنگام در سراسر خاور زمین بی مانند بود و ایرانیان «جو صاف و شفاف مصر» را پر از ستاره های درخشان معارف یافته بودند به همین سبب افزون بر روزنامه هایی که در این کشور از پیش انتشار می یافت کسانی نیز با امید چاپ روزنامه به آن سرزمین رفتند. (ناصرالدین پروین، ۱۳۷۹، ۳۵۹)

هنگامی که در پایان قرن هجدهم، انقلاب فرانسه نظام فئودالی را در آن کشور برانداخت به نظر می رسید که ممالک عرب بر روی هم آماده پذیرش ایده های آزادیبخش آن نباشند. ولی اثرات آن به زودی در جهان عرب به ویژه در مصر این پیشرفته ترین کشور عرب نمایان شد. مصر در این هنگام از حیث اجتماعی و اقتصادی برای پیکاری ضد فئودالی آمادگی داشت. انقلاب فرانسه توسط ارتش جمهوری فرانسه به فرماندهی ناپلئون بنا پارت در مصر تأثیر کرد. (لوتسکی، ۱۳۴۹، ص ۵۸-۵۴) نخستین ملتی که ناتوانی و انحطاط امپراطوری عثمانی را غنیمت شمرد و حتی پیش از آن که روزگار تنظیمات آغاز شود جویای اسقلال شد، ملت مصر بود. حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸/۱۲۱۳ و یاری محمد علی از سوی عثمانی ها برای بیرون راندن فرانسوی ها و سپس زمامداری او و خدیو اسماعیل (۱۸۶۳-۱۸۷۹) باعث بیداری طبقه روشنفکر در مصر شد. کتاب ها و مقالات آن ها اندیشه مردم را تکان داد. بدینسان بود که قاهره مرکزی برای جنبش فکری عرب شد. (بروکلمان، ۱۳۴۶، ص ۸۷-۴۸۵)

حمید عنایت پیشگامی مصر را حتی قبل از تحولات معروف به تنظیمات را آغاز پیروی از تمدن غرب می داند و حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ م را نقطه آغاز این حرکت می گیرد. و از طرفی با تأکید بر اینکه سیاست فعال فرهنگی فرانسه در مقایسه با دولت های دیگر ارو پایی باعث جریان یافتن روند اخذ تمدن فرنگی در مصر شد. این نحوه نگرش نحله «اخذ تمدن فرنگی» را بخشی از سیاست تشویق جهان غرب می داند. (حمید عنایت، ۱۳۶۳، ۲۵)

اوضاع اقتصادی ایران در دوره ناصری و مظفیری

از لحاظ اقتصادی، ایران اوضاع آشفته‌ای داشت که بخشی از آن از نظام استبدادی ناشی می‌شد. نظام اقتصادی ایران به صورت خانجانی، تیولداری و داشتن اقطاع اداره می‌شد. بر این اساس کشور به بخش‌های نیمه مستقل تقسیم می‌گشت که با تضعیف حکومت مرکزی، بخش‌های نیمه مستقل استقلال بیشتری می‌یافتند. این سیستم از موانع اصلی رشد و پیشرفت تجاری بود، زیرا خان‌ها می‌توانستند راه‌های تجاری را ببندند و از کاروان‌ها باج بگیرند که باعث ناامنی تجارت می‌شد. در این مقطع، ایران کشور عقب‌مانده کشاورزی محسوب می‌شد که بیش از ۸۰ درصد جمعیت آن در روستاها و ایلات به سر می‌بردند. کشاورزی بر اساس نظام ارباب - رعیتی اداره می‌شد. بر اساس آن، زمین‌داران بزرگ بهره‌ناچیزی از سهم تولیدات کشاورزی را به رعیت می‌داد. در این نظام، راه‌های تولیدات فراوان اقتصادی و پیشرفت آن بسته بود، زیرا گردش سرمایه‌ای وجود نداشت و اقتصاد کاملاً جنبه معیشتی داشت. این وضع نابسامان در کشاورزی، وقتی با مالیات‌های مضاعف و ظلم و ستم‌ها همراه می‌شد، شکل بسیار اسفباری را در روستاها ایجاد می‌کرد. این اوضاع اقتصادی سبب مهاجرت بسیاری از ایرانیان به سایر کشورها و تن دادن به هر خفتی گردید... (رئیس‌نیا، رحیم، ۱۳۵۲، ۸-۴)

در مورد اوضاع اقتصادی ایران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، لرد کرزن چنین می‌نویسد: «تشدید فلاکت روستائیان، کار را به فروش کودکان روستایی کشاند. فروش کودکان خردسال و حتی روستائیان جوان برای پرداخت مالیات در ایالات لرستان، سیستان، خراسان و کرمان امری کاملاً عادی بوده است. روستائیان بلوچستان جز پوست هندوانه چیز دیگری برای رفع گرسنگی نداشتند... رعایای املاک دولتی در سیستان و بلوچستان از گرسنگی و پریشانی علف می‌خوردند و لخت و عور زندگی می‌کردند.» - (کرزن، ۱۳۸۰، ۶۵۰)

اقتصاد بسته و غیرتجاری کهن ایران تا حدود زیادی، «ناشی از سلطه سیاسی و نظامی جوامع ایلی بر اجتماعات شهری و روستایی بود؛ زیرا از یک سو مانع رشد تولیدات کشاورزی و سبب کندی جریان آن به شهرها می‌شد و از سوی دیگر محدودیت‌هایی برای رشد و توسعه سرمایه‌داری... فراهم می‌ساخت.» - (اشرف، احمد، ۱۳۵۹، ۳۸)

اوضاع اقتصادی از منظر روزنامه ها

از مهم ترین پشتوانه های نظری جریان تحول خواهی که در نهایت منجر به انقلاب مشروطه شد را باید روزنامه هایی دانست که در این دوره، در خارج از کشور چاپ می شدند. این روزنامه ها با چهره های که از جامعه ایرانی و جوامع متمدن عرضه می داشتند، نقش زیادی در بیداری اذهان ایرانیان و جریان تحولات ایران و شکل گیری انقلاب مشروطه داشتند، به ویژه که "ایجاد کننده تحولی عمیق در نثر فارسی و ادبیات انقلابی و فرهنگ توده های" بودند. بنابراین خواندن و درک مطالب آنها برای عامه مردم ممکن بود. (کهن، ۱۱۰، ۱۳۶۰-۱۱۱)

روزنامه های فارسی زبان چاپ مصر با بررسی اوضاع داخلی ایران و مقایسه آن با کشور های متری و انتقاد از اوضاع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور، تلاش در جهت ایجاد تغییر و تحول بود. این روزنامه ها تلاش نمودن تا از طریق انتقاد از وضعیت اقتصادی کشور اولاً، تلنگری به حاکمان سیاسی کشور وارد نمایند. و در مرحله دوم از این طریق زمینه بیداری مردم را فراهم نمایند، تا از این راه زمینه پیشرفت کشور را فراهم نمایند و روزنه حکمت در این زمینه بخش زیادی از شماره های خود را به انتقاد از اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور اختصاص داده. بخش زیادی از این انتقادات، نوشته ها ارسال خوانندگان و خبرنگار مخصوص روزنامه از سراسر کشور و جهان می باشد.

روزنامه حکمت در انتقاد از اوضاع اقتصادی می نویسد ".....تا پنجاه سال قبل ایران در امر لباس و فرش و صناعت دستی محتاج فرنگستان نبوده و از صنایع مملکت خود توشه زندگان و مردگان و کفن مرده گان خود را آماده کردند، ولیکن امروز از کاغذ فرقان تا کفن مردگان همه از منسوجات و مصنوعات فرنگان بوده و صناعت وطن بالکلیه محو و نابود شده است، آیا سبب این نابودی چیست، طمع تجار و غفلت حکومت، آری کرباس و چیت فرنگی ظاهر صاف و پاک و مهره دار بوده ولی در متانت، دوام و ثبات ده یک مدت منسوجات وطنیه را نتوانند ثبات ورزند..... (حکمت، ش ۸۶۳، ص ۳-۴)

تاسیس کارخانه، بویژه کارخانه های نساجی در هند توسط انگلیسیان باعث سرازیر شدن محصولات آنها به ایران گردید. در سال ۱۸۲۲ فریزر متذکر گردید که چیت ها و پارچه های پنبه ای نقش دار جای منسوجات انگلیسی، فرانسونی و آلمانی را گرفت، در اواسط همان سده مصرف کالاهای اروپایی رو به افزایش گذاشت و در مقابل مصرف کالاهای محلی کاهش یافت. برای نمونه در کاشان که یکی از مراکز مهم نساجی ایران بود این اتفاق افتاد. نمونه دیگر اصفهان است که

گفته شده در دوره سلطنت فتحعلی شاه تعدادی از آن باقی مانده بود. (لمبتون، ۱۸۲، ۱۳۳۹-۱۸۱) برای مقابله با وضعیت نامطلوبی که برای صنایع داخلی بویژه صنعت نساجی پیش آمده بود علاوه بر تجار، شاهان قاجار فتحعلی شاه و نیز محمد شاه تلاش کردند و حتی فتحعلی شاه اقدام به پاداش به اشخاصی که پارچه ای هم چون چلوار مدرس ببافند خواهد کرد، این کار نیز نتیجه مطلوبی نداشت (لمبتون، ۱۳۳۹، ۲۸)

"... دو عیب بزرگ در تجارت ما دیده میشود که نسبت به عیوبات دیگرش اهمیت دارد و بواسطه این دو عیب بزرگ تجارت ما روز به روز بلکه ساعت به ساعت رو به تنزل است... یکی (وزن است) و یکی (حساب)، سنگ ما در هر شهر ایران و در هر دهکده یک قسم است. مثلاً در بوشهر (هاشم) در شیراز (نه عباسی) اصفهان (سنگ شاه) در طهران (سنگ ری) در آذربایجان (تبریزی) و قس علی هذا. هرکس و هر جا به میل خود سنگی ترتیب داده، حساب ما که سیاق است و از اعداد بیرون است آنهم هر کس به سلیقه خود وضعی ترتیب می دهد و به قسمی دفتر حساب می نویسد، کاشی از حساب تبریز سر در نیاورد و کرمانی از حساب بروجردی چیزی نفهمد، و قتیکه این دو مرض مبرم یک اختلاف سنگ، یکی تغییر حساب برطرف شود آنوقت امید ترقی در تجارت داریم والا در صورتیکه در بلاد معظم بل هر قریه ایران یکقسم وزن سنگ داشته باشند آنهم یکی از کلوخ و دیگری از آجر.. چگونه امید ترقی است" (چهره نما ش ۱۶ س ۱، ۵-۶)

در این مورد جمالزاده مینویسد. اصول اعشاری در باره اوزان و غیره هنوز در ایران معمول نشده و اساس صحیح و علمی در میان نیست. اوزانی که امروز متداول است بسیار قدیمی است، و در ولایات کشور مختلف است. بطور مثال در کنار من تبریز که در تهران نیز متداول است، اقسام دیگر من در نقاط دیگر معمول است. در مورد مسکوکات نیز، با اینکه اساس پول دوره قاجار نقره و واحد آن قران است، که قران معادل است با بیست شاهی، اما این در ایالت های کشور متفاوت است، (جمالزاده، ۱۳۸۴، ۶۹-۱۶۷)

نویسنده در ادامه مقاله تجارت به انتقاد از اوضاع اقتصادی و بانکداری در ایران می پردازد و از تأسیس بانک اسقراضی روس و بانک شاهنشاهی انگلیس شکایت می کند. و اینکه تجار توان رقابت خود را از دست داده اند و بانکها به قول و وعده خود عمل نمی کنند و تجار برای یک روز دیر پرداخت خود به بانک ها متحمل ضرر و زیان زیاد و حتی حبس می شوند و کسی توان ایستادگی در مقابل آنها را ندارد. در کنار آن انگلیسیها و روسها تعداد وکلای تجار و کنسول خود

در شهرهای ایران را افزایش می دهند، در صورتیکه تجار ایرانی در کشور های دیگر حتی یک نماینده و کنسول برای دفاع از خود ندارند.

"..... از برکت احداث بانک اسقراضی روسها تجارت خود را چهار اسبه بطریق خلیج فارس راندند و در ضمن حصول امتیازات مضره قدیمه هم ممد توسعه تجارتشان گردید والا بانک اسقراضی با پنج ملیان تومان سرمایه خسارت هنگفت تجارت روس در خلیج فارس منحل نمیشد، بانک شاهنشاهی مسکوکات طلای ما را جمع کرد ، بانک اسقراضی دارد ثروت یعنی هستی یعنی وسایل معیشت یعنی باعث زنده گی ما را پنجه می کشد و مانند برق خاطف چپ و راست حیات ملت ایران را از گروو تنزیل گرفته آتش میزند . کیست در مقابل این سیل خانمان کن سد سدیدی به بندد " (چهره نما، ش ۱، س ۲، ۶ - ۷)

در ادامه انتقاد از اوضاع تجاری کشور هفته نامه ثریا نیز به مشکلات تجارت در کشور پرداخته. هفته نامه ثریا سه عامل را دلایل ترقی تجارت و گسترش خرید و فروش میان ملت ها و اقوام می داند . اول، راه شوسه و اسباب حمل و نقل . دوم ، آزادی در دادوستد که هر کس هرگونه که بخواهد مایملک خود را در معرض خرید و فروش قرار دهد . و سوم ، اطمینان خاطر جمعی که کسی متعرض حال کسی نباشد و بدون جهت اموالش را قصب و حقوقش را پایمال نکنند و به نوعی امنیت تجارت برقرار باشد . نبود این سه عمل مانع از گسترش تجارت و توسعه کشور می شود .

".. سبب قحطی های قدیم در مصر و سایر بلاد همین بود که طرق مسدود و حامل بار چهار پایان کندرو ، مثلاً در مصر قحطی وجود داشت و در کنار شط العرب غله از کثرت تلف و ضایع می شد (مانند حالت حالیه ایران که غله در کشور از شدت فراوانی و ارزانی باخاک همسر و در ایالت دیگر از کثرت غلت و گرانی با جان برابر ، جمعی از حصاد و ضبطش عاجزند ، و خلقی از تحصیل و وصلش بیچاره) ... بر حکام و ولات فریضه و لازم است طرق دریا و خشکی را از دزدان بری و بحری حفظ کنند و مال التجاره تجار را از شر این گونه مواد مضر حفظ و صیانت نمایند و نگذارند به تجار داخله و خارجه مملکت خویش خسارتی رسد و فقدان این شرایط لطمه بزرگی به تجارت و توسعه ممالک آن وارد می آورد ... " (ثریا، ش ۱۸، س ۱، ص ۱۵)

(عیسوی) در این مورد می نویسد: راه ها و جاده ها نیز معضلی دیگر به شمار می آمد . این روس ها بودند که پس از سال ۱۸۹۰ م همت خود را به کار گرفتند تا راه هایی احداث کنند که ایران را به روسیه مرتبط سازد . علی رغم موفقیت آن ها در این زمینه ، هزینه های حمل و نقل هم

چنان به طرز سرسام آوری بالا باقی ماند و مانعی را سر راه پیشرفت ایران ایجاد نمود (عیسوی ۱۳۶۹، ۱۴۱)

چهره نما بخش زیادی از صفحات خود را به انتقاد از اوضاع اجتماع و اقتصادی داخل ایران می پردازد، که در شماره ۲۰ خود گزارش مکتوبی را که یکی از خوانندگان خود از شهر تبریز ارسال کرده را چاپ می نماید، که در آن به انتقاد از اوضاع اقتصادی شهر تبریز، تجار، کمبود نان و آذوقه و ایجاد احتکار توسط تجار و ملاکین می پردازد و به انتقاد از وضعیت اسفبار و اوضاع نابسامان مردم شهر تبریز اشاره دارد. در این مورد می نویسد: "..... آنکه وضع شهر است مردم بی اندازه از بی ملاحظگی حکام شرع و عرف بضجه و ستوه آمده اند. آقایان گندم بی حد انبار و در وضع احتکار غله بی مزه گی کرده غفلها به انبارها زده، گندم نمی فروشند، گندم را از یک قران الی سه قران ترقی داده، آرزو خمیازه پنج قران را دارند. سایر ملاکین از اعیان و تجار اقتدا به پیشوایان کرده بشدت هر چه تمام تر گندم ها را پنهان کرده اند، عصمت و حجاب گندم را قدم بر عصمت نسوان دانسته، اجمالاً با وجود وفور نعمت و کثرت غله قحط و غلای مصنوعی کرده، اهالی را از پای در آورند. نان در بازار از یکمن به چهار قران گذشت..... یکی از ملاکین تبریز که الحال خود در تهران مقیم و در آذربایجان املاک زیاد دارد و گندم فراوان دارد و کیل تبریز او به خود او به طهران نوشته و استیدان و رأی خواسته بود که غله موجوده را بفروشم یا نه او در جواب چنین نوشته است (در امر فروش غله آقایان و ملاها از ماها بهتر میدانند، ببین اگر ایشان غله را می فروشند تو هم بفروش والا نگه دار)..." (چهره نما ش ۲۰ سال ۷، ۸-۸)

روزنامه حکمت بر اساس رسالت خود در تنویر افکار عمومی و ایجاد تحول در ایران به انتقاد از اوضاع اقتصادی ایران می پردازد و تلاش می نماید با نشر اوضاع داخلی تهران از قول خبرنگار خود بتواند تحولی در کشور ایجاد نماید. در بخش اول به وضعیت نان در تهران می پردازد که نانوایان به بهانه محصول بد گندم در صدد گرانی نان برآمدند که حاج امین الضرب و بعد از او فرزندش تلاش گسترده ای در جلوگیری از گرانی نان انجام دادند، با این نان بی کیفیت و حتی ریزه اریه و سریش و سبوس برنج و غیره به خورد مردم می دادند و عدۀ زیادی از مردم را کشتند و کسی را یارای مقابله با آنها را نبود. مردم ساعت ها در نانوایی معطل می شدند و در نهایت مقداری نان خمیر به خانه می بردند.

"... از اول سال ۱۳۱۶ در تهران کم کم نانوایان زمزمه بلند کردند که گندم امسال خوب نشده است. نان آن وقت دوازده شاهی بود، هر روز بهانه ساخته یک یا دو شاهی نرخ نان را افزودند،

پس محتکرین بی دین جلو فروش گندم را گرفتند و نانوهای تهران - با آنها یار شده دولت را مجبور مداخله نمودند...." (حکمت شماره ۱۲، نمره ۲۷۶، ۲-۳)

در این زمان روزنامه های دیگر نیز به وضعیت نان و کمبود آن در شهرهای مختلف کشور پرداخته ، از جمله این روزنامه ها روزنامه جهره نما می باشد ، که به وضعیت بحران نان در شهر مشهد می پردازد و در این مورد از قول خبرنگار خود در این شهر می نویسد :

"در این ایام ماه صفر از شدت گرانی در مشهد شورش برپا شد ، که چند نفر رعیت بی گناه بیچاره در میان کشته و زخمی شد ند مردم از شدت قحطی نان و نایابی او بطریق اجتماع خواستند پناه به روضه منور رضوی ببرند ، محتکرین بی انصاف خدا شناس از ترس آنکه کار آنها خراب می شود در صدد رفع آنها برآمده چند نفر افغانی و غیره را بر در صحن مقدس گذاشته مانع از آنها شدند . از طرفین بنای مهاجمه و مدافعه گردید ی عاقبت چند نفر بیگناه از عابر و ساکن به خاک و خون غلطیدند.... در تمامی ایران یک شهر هست از غم نان جان ندهند و شبانه روز از قحطی نان دادو فریاد نباشد ، هر حکومتی هم که می آید فکر کار خود می باشد این است بیچاره مردم از گرسنگی و بی نانی دسته دسته ، فوج فوج در بلاد خارجه رفتند تن به همه نو اسارت می دهند که یک لقمه نان براحتی بخورند." (چهره نما، ش ۱۸ س ، نمره ۴۲ص ۱۲)

در مورد قحطی نان ،هفته نامه ثریا، پس از گزارش خبرنگار مخصوص خود از تهران و اوضاع نابسامان اقتصادی و گرانی نان می نویسد ، واقعا عمل نان در ایالات شمالی ایران عموماً و شهر دارالخلافه خصوصاً خیلی سخت شده خداوند به ضعفا و فقرا رحم نماید و به متمولین و اغنیاء مروت دهد . زیرا بلای قحطی و خشک سالی بلای عمومی نیست و خاص فقرا و ضعفا است هنوز هنوز خبرنگار ما علت گرانی را بازار احتکار می داند . اما در مورد تجارت که تجار تجارت خویش را فروش غله و حبوبات قرار دادند ، هر چند خبرنگار ما این را تحسین میکند ولی نیکو نباشد ، بلکه کارها سخت تر می شود به جهت اینکه تجار به دنبال منفعت خویش باشند و می خواهند گران بفروشند و هر روز برای حکومت در دسر فراهم می شود . بنابر این برای جلوگیری از گرانی و قحطی دولت باید از خود انبارهایی داشته باشد که در چنین شرایطی با توزیع گندم در بازار قیمت ها را بشکند وهمچنین از ولایات به سرعت جلب نماید و حتی به قیمت پائین تر و به ضرر بفروشد ، اما در سال بعد مالیات را افزایش دهد تا منابع مالی جبران شود.

(ثریا ، شماره ۸ ، سال دوم) ۱۳۱۷

روزنامه ثریا در جای دیگر از قول خبرنگار خود از تهران می نویسد. با اینکه امسال وضعیت کشاورزی بهبود یافته و نرخ اجناس تنزل پیدا کرده، ولی باز نانوهای تهران دست از تعدی برداشته و مردم از ظلم آنها در عذاب هستند. چند روزی است که به هیچ وجه نان یافت نمی شود و مردم از صبح تا ظهر معطل می شوند. عده ای که وضع اقتصادی بهتری دارند خود در منازلشان نان پخت می کنند و بقیه مردم ساعت های طولانی در صف نان می مانند و فقط چند عدد نان بدست می آورند که هیچ شباهتی به نان ندارد. (ثریا، ش ۲۹ س ۱، ص ۶)

در مورد مالیات باید گفته شود، منشأ مالیات در همه جای ایران به یک روش نیست، و در ولایات و ایالات مختلف است و حتی در همه نقاط یک ایالت هم به یک منوال و ترتیب نیست. از طرف دیگر همانطور که در منشأ و مبنای مالیات اختلافات زیاد هست، در مبلغ و اندازه آن نیز اختلافات بسیار وجود دارد. (جمالزاده، ۱۳۸۴، ۱۲۱)

روزنامه «کمال» در انتقاد از اوضاع اقتصادی در چند شماره به وضعیت مالی در کشور پرداخته و معتقد است راه پیشرفت کشور اصلاح اوضاع مالی، و دریافت مالیات بطور صحیح از مردم است. کسانی که در امور مالیاتی مسئولیت دارند باید از تخصص لازم برخوردار باشند، تا بتوانند اوضاع مالی کشور را سامان دهند. اما منظور این روزنامه از مالیات بیشتر پرداخت خمس توسط مردم می باشد.

این روزنامه در مقاله ای به انتقاد از اوضاع مالی و اقتصادی کشور پرداخته، مهم ترین و بزرگترین مشکل کشور را اوضاع اقتصادی می داند، و می نویسد تا مشکلات مالی در کشور درست نشود، بقیه امور کشور اصلاح نخواهد شد و بخش از این مشکلات را نیز اصلاح امور مالیاتی کشور می داند، که بر مدار قانون مشخصی استوار نیست. بنابراین راه ترقی و پیشرفت کشور را اصلاح امور مالی و مالیاتی کشور می داند.

"نظر به اصلاحات امور مملکت اگر امور مالی در درجه چهارم واقع شود، ولی برای تأسیس همه ارکان ترقی و تنظیم مملکت لازم است، زیرا اگر مالیه دولت صحیح نباشد نه یک دایره علمی تشکیل می شود، و نه یک سرباز به سرحد رود، و نه دیوان عدلیه مفتوح شود. ... هنوز مشخص نشده که باید مالیات بگیرند یا نه و میزان مالیات چقدر باشد. گروهی نوکر هستند که مالیات نمی دهند. گروهی دیگر علما که دستی هم می گیرند، سومی منسوب و متعلق رجال بزرگ است که از مالیات معاف می باشد، چهارمی هرزه گرد و کوچه نورد است مالیات نمیشناسد، پنجمی فقیر و بی چیز است. بنابراین نصف بیشتر ملت از تکلیف دادن مالیات آزاد

هستند ، باقی مانده مشتى عاجز و بی چاره است که کفیل رزق تمامی مفت خواران مملکت می باشند. امروز در اروپا هر جنسى مالیات مخصوص دارد که عموم افراد ملت بصورت مساوی به ادای آن مجبور هستند و هرکس بر اساس در آمد خویش باید نه همان نسبت مالیات پرداخت نماید . اگر همین فقره خمس را ترتیب صحیح بدهند ، ادارات در همه جا تشکیل نمایند ، دفاتر منظم باز کنند ، اشخاص بصیر و امین از فضلا ، مباشر و مفتش نمایند ، به زودی بدون شک دولت و ملت سعادت مند شده آثار تمدن از همه جا و همه کس هویدا گردد. " (کمال ، ش ۷ ، ص ۳ ، صص ۵-۶)

روزنامه کمال ، راهکار پیشنهادی خود را جهت اصلاح امور مالیاتی و رفع مشکلات اقتصادی کشور را اجرای امور شرعی خمس بصورت صحیح می داند ، بنظر نگارنده مشکلات اقتصادی کشور از جنبه اقتصادی تنها با اجرای صحیح خمس برطرف نمی شود ، و این مسئله نیازمند راهکارهای جدید دریافت مالیات به سبک کشورهای توسعه یافته است .

از ۳۵ مقاله بررسی شده این روزنامه در دوره حکومت ناصری و مظفیری ، روزنامه پرورش ، با ۱۸ مقاله بیشتر از سایر روزنامه های فارسی زبان مصر به مسائل اقتصادی پرداخته ، پس از آن روزنامه حکمت با ۸ مقاله در مرتبه دوم و پس از این دو روزنامه روزنامه های پرورش ، ثریا و کمال قرار دارند . این روزنامه ها ، در کنار فقدان مدارس و علم آموزی ، بیشترین موضوعاتی را که مورد توجه قرار داده اند ، اوضاع نامناسب اقتصادی از جمله قحطی نان به دلیل کمبود راه های ارتباطی و نامناسب و همچنین احتکار ، ورود کالاهای خارجی به کشور ، مشکلات گمرکی و نفوذ بیگانگان در این امور ، اوضاع نامناسب تجار و تجارت ، شیوه نامناسب دریافت مالیات ، نبود وحدت اوزان و پول در کشور می باشد ، که از دیدگاه اقتصادی این عوامل را مهم ترین دلایل عدم ترقی و پیشرفت کشور قلمداد نموده اند . از نظر بررسی محتوایی و فراوانی موضوع بیشترین مقالات به مسئله اوضاع نابسامان اقتصادی شهرهای مختلف ایران از جمله قحطی نان پرداخته شده است

نتیجه گیری

روزنامه های فارسی زبان مصر (حکمت، ثریا، پرورش، چهره نما، کمال) در پرداختن به مسائل تحولات ایران، بخصوص تحولات اقتصادی، پیشگام بودند و از این جهت در هدایت، روشننگری و بیداری مردم ایران نقش فراوانی داشتند. این روزنامه ها به دلایل فشارهای سیاسی، نبود آزادی های سیاسی و سانسور در ایران و از سوی دیگر وجود شرایط مطلوب سیاسی، فضای باز روزنامه نگاری در مصر، این کشور را جهت اقامت و انتشار روزنامه های خود انتخاب نمودند. نویسندگان و مدیران روزنامه های فارسی زبان مصر از طریق انتقاد از اوضاع نابسامان اقتصادی در کشور تلاش در جهت بیداری مردم ایران داشتند. آنها مهم ترین عوامل عقب ماندگی کشور ایران را از نظر اقتصادی، فقدان راه های ارتباطی مناسب، نظام تیول داری، شیوه دریافت نامناسب مالیاتی، نبود آزادی های سیاسی و بی توجهی حاکمان به وضعیت اقتصادی مردم و کشور می دانستند.

پرداختن به مسائل اقتصادی شهرهای مختلف ایران از طرق مقالات متعدد، چه از زبان خوانندگان داخل کشور و چه خبرنگاران و نویسندگان روزنامه ها، نقش فراوانی در ایجاد تلنگر در حاکمان و بیداری مردم ایران داشت. بیان مشکلات اقتصادی کشور و مقایسه آن با کشورهای توسعه یافته در کنار سایر موضوعات مطرح شده در این روزنامه ها، زمینه ساز بیداری مردم و آگاهی آنها نسبت به اوضاع سیاسی و اقتصادی سایر کشورها، بخصوص، اروپا گردید، که این شرایط خود در زمینه سازی انقلاب مشروطه نقش مستقیمی داشت.

منابع

- اشرف، حمد، (۱۳۵۹) موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار، زمینه، چاپ اول،
- باقری ده آبادی، علیرضا (۱۳۹۲) مطبوعات ارگان در ایران از مشروطه تا مجلس سوم، تهران: نشر گستره
- براون، ادوارد (۱۳۸۶) تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. ترجمه محمد عباسی تهران: انتشارات علم
- برزین، مسعود (۱۳۷۱) شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷، تهران: انتشارات بهجت
- بروکلیمان، کارل (۱۳۴۶)، تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه هادی جزایری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- بشیر، حسن، (۱۳۸۸) نقش مطبوعات در فرآیند نوسازی سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجار، تهران: ناشر دانشگاه امام صادق
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷) تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، تهران مرکز نشر دانشگاهی
- جمالزاده، سیدمحمد علی (۱۳۸۴) گنج شایگان، تهران: انتشارات سخن
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴) تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر حسین عبدالرحیم، (۱۳۷۰) مطبوعات سیاسی در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- رایینو، ه-ل (۱۳۸۰) روزنامه های ایران از آغاز تا سال ۱۲۳۹ هجری، ترجمه و تدوین جعفر خممامی زاده، تهران: انتشارات اطلاعات
- رضوانی، محمد اسمعیل، (۱۳۵۲) انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات ابن سینا
- رئیس‌نیا، رحیم، (۱۳۵۲) زمینه اقتصادی و اجتماعی مشروطیت ایران تبریز: ابن سینا
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال
- علم، محمدرضا، (۱۳۸۵) کانون های مقاومت خارج از کشور عصر مشروطه، تهران: انتشارات تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- عنایت، حمید (۱۳۶۳) سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران: امیر کبیر
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹) تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره
- کسروی، احمد (۱۳۶۹) تاریخ مشروطه ایران، تهران انتشارات امیر کبیر
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰) ایران و قضیه ایران، تهران: علمی و فرهنگی

- گوئل کهن ، (۱۳۶۳) تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات آگاه
- لوتسکی، و ، (۲۵۳۶) تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز بابائی، تهران: انتشارات چاپار شاهرضا
- مولانا، حمید(۱۳۹۲) سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران: موسسه انتشارات کتاب نشر
- روزنامه کمال، سال سوم، شماره ۷، (۱۳۲۳ هـ-ق)
- روزنامه ثریا، سال اول، شماره ۲۹، (۱۳۱۶ هـ-ق)
- روزنامه حکمت، سال هشتم، شماره ۱۲، (۱۳۱۷ هـ-ق)
- روزنامه حکمت، سال چهاردهم، شماره ۸۶۳، (۱۳۲۳ هـ-ق)
- روزنامه چهره نما، سال اول، شماره ۱۶، (۱۳۲۲ هـ-ق)
- روزنامه چهره نما، سال دوم، شماره ۲۰، (۱۳۲۳ هـ-ق)
- روزنامه ثریا، سال اول، ش ۱۸، (۱۳۱۶ هـ-ق)
- روزنامه چهره نما، سال اول، شماره ۱، (۱۳۲۲ هـ-ق)
- روزنامه ثریا، سال اول، شماره ۱۸، (۱۳۱۶ هـ-ق)
- روزنامه حکمت، سال اول، شماره ۱، (۱۳۱۰ هـ-ق)
- روزنامه پرورش، سال اول، شماره ۱، (۱۳۱۸ هـ-ق)
- روزنامه حکمت، سال چهاردهم، شماره ۸۵۲، (۱۳۲۳ هـ-ق)
- روزنامه قانون، سال اول، شماره اول، (۱۳۰۷ هـ-ق)

